

اجازه فرمایید با استفاده از منابع ۱۵۸۵ و ۴۱۲۰ عملیات در مشهد ادامه داشته و نسبت به شناسایی مرتبترین او در مشهد و سایر شهرستان ها اقدام تا همزمان کلیه این عوامل دستگیر و از ادامه فعالیت هایشان جلوگیری شود.»

در این موقع، شرایط برای رژیم شاهنشاهی پهلوی بحرانی بود تا جایی که مجبور شد برای عوامفریبی، بسیاری از سرداران رژیم را عزل کند؛ از جمله این اقدامات، عزل نعمت‌الله نصیری، رئیس ساواک و جایگزینی ناصر مقدم بود. سیهید ناصر مقدم که برای مهار انقلاب اسلامی، چشم امید به ملی‌گرایان داشت، در ذیل این گزارش نوشت: «زمان برای شناسایی توسط مراقبت کافی نیست، سریعاً بازداشت و سپس از طریق بازجویی، افراد دیگر نیز شناسایی و دستگیر گردند.»

این فرمان بلافاصله عملی شد. مأموران ساواک از طریق استراق سمع می‌دانستند که سید علی اندرزگو برای افطار روز نوزدهم ماه مبارک رمضان به منزل حاج اکبر صالحی می‌رود. به منظور دستگیری او، اکیپ‌های متعددی آماده شدند و بر سر راه او کمین کردند. تهدید شهید اندرزگو، مبنی بر همراه داشتن مواد منفجره برای به هلاکت رساندن کسانی که قصد دستگیری او را دارند، کافی بود تا آنان از نزدیک شدن به وی هراس داشته باشند. برای همین بود که به همراه اولین حرکتی که او به خود داد، نیروهای ساواک با عجله به سمت او شلیک کردند.

روز پنجشنبه دوم شهریور ماه ۱۳۵۷ شمسی، در تماسی که اکبر صالحی با خانه داشت، گفت که:

«برای افطار به اتفاق جوادی [اندرزگو] به منزل خواهیم آمد.» و غروب همان روز که دخترش با او تماس گرفت، این مکالمه، بین آنها انجام شد:

«... نمی‌آیی؟ اکبر صالحی گفت، «چرا. آقای جوادی آمده؟»
 بچه گفت، «نیامده» و اکبر صالحی گفت، «خواهد آمد.»
 سپس بچه او اظهار کرد، «بابا! در خیابان سقایی دو نفر را با تیر زده‌اند و آمبولانس هم آمد و هر دو نفر را بردند.» اکبر صالحی گفت، «کی بود؟ دیدی؟» بچه گفت، «نه ندیدم. در مقابل درب مقابل خانه زری خانم بود.» و خداحافظی نمود.
 و در همان روز سروان جلالی گزارش داد:
 «محترماً مقام عالی را آگاه می‌سازم:

ساعت ۲۰:۱۰ سرتیپ سجادی تلفنی اطلاع دادند که در ساعت ۱۹:۳۰ در خیابان سقایی بین یک نفر خرابکار و افسران کمیته مشترک ضد خرابکاری، درگیری حاصل که خرابکار مزبور به وسیله گلوله کشته می‌شود. در این درگیری به مأمورین هیچ گونه آسیبی نرسیده است.»
 محتویات جیب‌های شهید سید علی اندرزگو در این غروب غم‌انگیز به شرح زیر گزارش شد:

۱) شناسنامه عکس دار به نام ابوالقاسم واسعی یک جلد
 ۲) گواهینامه رانندگی عکس دار به نام عبدالکریم سپهرنیا یک جلد

۳ ساعت مچی یک عدد

۴ چاقوی کوچک یک عدد

۵ دسته کلید کوچک و بزرگ چهار عدد

۶ عینک دره بینی یک عدد

۷ انگشتری نگین دار فلزی یک عدد

۸ مهر نماز یک عدد

۹ وجه نقد ۶۸۴۰ ریال.»

سید علی اندرزگو در هجدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۷ قمری مصادف با سال ۱۳۱۶ هجری شمسی در یکی از محلات جنوبی شهر تهران، نزدیکی‌های میدان شوش به دنیا آمد. در ماه مبارک رمضان سال ۱۳۴۳ شمسی در عملیات اعدام انقلابی حسنعلی منصور شرکت و زندگی مخفی را آغاز کرد و در نوزدهم ماه مبارک رمضان سال ۱۳۵۷ شمسی با زبان روزه به شهادت رسید. ■



...سوابق امر و فعالیت‌های گذشته سید علی اندرزگو نشاندهنده اعتقاد وی به ترور فردی، مبارزه مسلحانه و تهیه سلاح برای این گونه اعمال بوده است؛ به طوری که در سال ۲۵۳۱ [۱۳۵۱] که مشارالیه با مشخصات جعلی شیخ عباس تهرانی در مسجد چیدر بود و پس از کشف فعالیت‌هایش مجدداً متواری گردیده، حدود ۵۸ قبضه سلاح کمری با مقادیری فشنگ به وسیله یکی از عناصر تحت مسئولیتش در یکی از باغات اطراف تهران پنهان نموده بود. در حال حاضر مشارالیه به مرتبترین اظهار داشته که مقداری مواد منفجره دور کمر خود نصب نموده و در مواقعی که به محل‌های ملاقات می‌رود و یا در خیابان است؛ کلید مواد منفجره در دستش می‌باشد تا در صورت دستگیری، خود و مأمورین مربوطه را به هلاکت برساند...

اگر در شرایط کنونی اعضای این گروه دستگیر و سید علی اندرزگو دستگیر یا کشته شود، تخفیف قابل ملاحظه‌ای در تظاهرات و اغتشاشات عناصر مذهبی داده خواهد شد. لیکن از آن جایی که هنوز سایر شاخه‌های این گروه در مشهد، قم، قزوین و به احتمال زیاد شیراز، اصفهان و تبریز شناخته نشده‌اند؛ علی‌هذا در صورت تصویب



مأموران ساواک از طریق استراق سمع می‌دانستند که سید علی اندرزگو برای افطار روز نوزدهم ماه مبارک رمضان به منزل حاج اکبر صالحی می‌رود. به منظور دستگیری بر سر راه او کمین کردند. تهدید شهید اندرزگو، مبنی بر همراه داشتن مواد منفجره برای به هلاکت رساندن کسانی که قصد دستگیری او را دارند، کافی بود تا آنان از نزدیک شدن به وی هراس داشته باشند. برای همین بود که به همراه اولین حرکتی که او به خود داد، نیروهای ساواک با عجله به سمت او شلیک کردند.

«شیخ عباس تهرانی همان سید علی اندرزگو و یکی از تأییدکنندگان و عاملین قتل مرحوم منصور بوده...» و باز تلاش‌های بی‌حاصل برای دستگیری او آغاز شد. «خواهشمند است دستور فرمایید با استفاده از کلیه امکانات موجود به طور کاملاً غیر محسوس نسبت به شناسایی و دستگیری و بازرسی از محل سکونت شیخ عباس تهرانی که دارای سه قبضه سلاح کمری می‌باشد؛ سریعاً اقدام و نتیجه را اعلام فرمایید.»

و باز آوارگی اندرزگو ادامه یافت و بسیاری از مرتبترین با او، از جمله: عبدالمجید معادیخواه، معصومه سیل‌سپور (خواهر همسر وی)، سید اصغر هاشمی، سید مهدی سادات ده سرخی، اسدالله سیل‌سپور (پدر همسر) و... دستگیر شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. این بار اثاثیه منزل او را به غارت بردند؛ ولی باز هم از دستگیری او مایوس شدند و در گزارش نوشتند:

«شیخ عباس تهرانی پس از اطلاع از قصد دستگیری خود، به قم مسافرت و پس از چند روز اقامت در منزل همسر عبدالمجید معادیخواه و تماس تلفنی با آقای معادیخواه در تهران، به عراق متواری شده است.»

فعالیت‌های سید علی اندرزگو در ایران، پاکستان، لبنان و عراق در اوج پنهانکاری ادامه یافت تا اینکه با همگانی شدن انقلاب اسلامی، فعالیت‌های او نیز قدری آشکارتر شدند و همین کافی بود تا از طریق استراق سمع تلفن یکی از مرتبترین او، ساواک نسبت به شناسایی او اقدام کند و بفهمد که شیخ عباس تهرانی که همان سید علی اندرزگوست، اینک با نام جوادی به فعالیت‌های خود مشغول است. این شناسایی برای کسانی که سال‌ها در انتظار اندرزگو بودند، موفقیت بزرگی محسوب می‌شد و سر از پا نمی‌شناختند. آنان که در کنترل یکساله تماس‌های تلفن او، در جریان فعالیت‌های او قرار گرفته بودند، در گزارش به ریاست ساواک، درباره نقش او در تظاهرات تهران و شهرستان‌ها در سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ نوشتند: «در حدود یک سال قبل، همکار افتخاری، «فراز»، گزارش کرد که سید علی اندرزگو که به دنبال قتل مرحوم حسنعلی منصور نخست‌وزیر اسبق متواری و تاکنون با اسامی مستعار و جعلی منجمله شیخ عباس تهرانی در ایران و خارج از کشور به فعالیت‌های ضد ملی مشغول بوده؛ با اکبر حسینی صالحی که در خیابان خراسان مغازه لبنیات فروشی دارد؛ در ارتباط گروهی می‌باشد... سید علی اندرزگو با نام مستعار «جوادی» با اکبر حسینی صالحی رابطه داشته و هر دو الی پانزده روز یک بار از محل اختفای خود در شهرستان مشهد (محل اختفا مشخص است)؛ به تهران مسافرت و با مشارالیه و سایر مرتبترین درباره چگونگی فعالیت‌ها به بحث و مذاکره و تصمیم‌گیری می‌پردازد و در واقع فعالیت‌های آنان را هماهنگ می‌نماید.

... به مناسبت‌های مختلف، در زمینه توزیع اعلامیه یا تراکت اقدام و مردم را به اعتصاب و بستن دکاکین و یا شرکت در مجالس ختم دعوت می‌نماید.

... در مورد تهیه اعلامیه و تراکت و همچنین تکثیر اعلامیه خمینی مذاکراتی انجام که پس از توافق نسبت به تکثیر آنها اقدام گردیده است...

... مرتبترین سید علی اندرزگو تقریباً همان اعضای سابق هیئت مؤتلفه با همان شکل سابق، لیکن با امکانات وسیع‌تر و پیشرفته‌تر و الگویی از فعالیت‌های چریکی در خارج از کشور می‌باشند...

... این افراد به منظور برهم زدن امنیت کشور و ایجاد بلوا... با ایجاد سروصدا موجبات تعطیلی بازار تهران و جلوگیری از برگزاری جشن‌ها را فراهم می‌سازند...

... این گروه تاکنون کلیه اعلامیه‌های خمینی را که به مناسبت‌های مختلف داده بلافاصله تکثیر و در سطح وسیعی توزیع نموده است...